

# تجاوز خانگی در جوانی، عذاب وجدان دوران بزرگسالی

Photo: stokkete/bigstockphoto.com

**خانه امن:** پاسخ‌های این قسمت به صورت عمومی و برای عرضه به گروه بزرگی از مخاطبان طراحی شده است و به هیچ‌وجه نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای خاص و شخصی افراد باشد. برای بررسی دقیق‌تر مشکلات، ما مشاوره‌های انفرادی را توصیه می‌کنیم، که از حوزه توانایی‌های خانه امن خارج است.

رزا خورشیدی، مشاور خانواده

**پوشش:** نزدیک به چهل سال دارم و سال‌هاست که ازدواج کرده‌ام. یک دختر چهار ساله دارم. وقتی نوجوان بودم خانواده ما و عمویم در یک حیاط زندگی می‌کردیم. من هفده ساله بودم و دختر عموی من تقریباً ده ساله بود که یک روز به او تعرض کردم. ماجرا برای ماه‌ها ادامه پیدا کرد تا ما از آن خانه رفتیم.

بعدا تلاش کردم خواستگاری دختر عمویم بروم، اما او از من متنفر بود. عذاب وجدان زیادی دارم. می‌ترسم همسرم متوجه شود و دیوانه‌وار مراقب دختر چهار ساله‌ام هستم.

دختر عموی من مرا تهدید می‌کند که این راز را بر ملا می‌کند و هر وقت به موضوع فکر می‌کنم خیس عرق می‌شوم. عذاب وجدان مرا دیوانه می‌کند. چه کنم؟ می‌دانم چه خطایی مرتکب شده‌ام اما نمی‌توانم آن را جبران کنم. من زندگی دختر عمویم را برای همیشه خراب کرده‌ام.

**پاسخ:** متاسفم که بگویم، داستان دردناک شما در همه جوامع شیوع بسیار زیادی دارد. در زمینه مراقبت هوشیارانه بزرگترها که ابعاد مختلفی دارد، والدین باید بدانند که تعرض جنسی به کودکان از هر کسی برمی‌آید. پسرعمو که سهل است، تعداد کسانی که پیش من اعتراف کرده‌اند که در کودکی توسط دایی، عمو، پدربزرگ، و با کمال تأسف حتی پدر و برادر تینی خود مورد تعرض جنسی در سطوح مختلف قرار گرفته‌اند، اصلاً کم نیست.

## نظارت متعادل و هوشیارانه

هرگز فرزندان خود را بدون نظارت متعادل و هوشیارانه با هیچ کس تنها نگذارید. ممکن است بگویید چگونه می‌توان کودک و نوجوان را با پدر و برادر خود تنها گذاشت. تعداد افرادی که به فرزند یا خواهر و برادر خود تعرض جنسی می‌کنند، زیاد نیست. این افراد نشانگان رفتاری خاصی دارند که از دید کسانی که با آنها زندگی می‌کنند دور نمی‌ماند. حتی اگر رفتار آنها چیزی نشان نداد، نشانگان رفتاری کودک یا نوجوانی که مورد تعرض جنسی قرار گرفته یا می‌گیرد خیلی واضح‌تر است و از روی آنها می‌توان مسئله را مشخص کرد. هرگز کاری نکنید که فرزندان از در میان گذاشتن این مسئله با شما هراس داشته باشند. تقصیر را به گردن او نیندازید. نگویید که اگر لباس مناسبی می‌پوشید یا رفتار متفاوتی داشت این اتفاق برایش نمی‌افتاد. او به هیچ وجه در این میان تقصیری ندارد.

در پاسخ شما باید بگویم که البته شما خیلی هم کوچک نبودید و مسلماً به زشتی عمل خود واقف بودید. این که بعدها تصمیم گرفتید با همان دخترعمو ازدواج کنید و این که الان عذاب وجدان به قول خودتان دارد دیوانه‌تان می‌کند، نشانه خوبی است. از سوی دیگر باید به دخترعموی خود حق بدهید. او یک کودک بی‌گناه و معصوم بود که در اثر غفلت والدین و سوءاستفاده یک نوجوان از این غفلت، به این مصیبت دچار شد. شما چهل ساله هستید، پس ایشان باید سی و سه ساله باشد. موقعیت بسیار حساس و بغرنجی است و طبق معمول راه حل آسانی برای آن وجود ندارد. هم شما و هم دخترعمویتان دچار وضعیت روحی بدی شده‌اید که می‌تواند به وخامت منجر شود. باید کاری کنید و این کار هزینه دارد. کما این که کاری که در هفده سالگی کرده‌اید، تاوانی داشت که شما پس از گذشت بیش از بیست سال همچنان پس می‌دهید. برای اینکه دقیقاً به شما بگویم چکار کنید احتیاج به اطلاعات زیادی دارم که در سوال شما نیامده است. لذا در اینجا فقط می‌توانم پیشنهاد کلی به شما ارائه دهم و توصیه کنم که به یک مشاور دارای پروانه تخصصی در محل زندگی خود مراجعه کنید.

## تلاش برای بخشش، عدالت بازیافته

باید بتوانید خودتان را ببخشید و برای این کار، نخست دخترعمویتان باید شما را ببخشد. راه درازی در پیش دارید. توقع معجزه نداشته باشید. شاید هم موفق نشوید ولی لااقل می‌توانید مطمئن شوید که تمام تلاش خود را کرده‌اید. در روانشناسی برای این موارد روشی وجود دارد به نام Restorative Justice که مترادف فارسی مناسبی برای آن نمی‌شناسم. عدالت بازیافته، نزدیکترین عبارت فارسی به آن

است ولی معنای واقعی آن را نمی‌رساند. در این روش فرد متجاوز و قربانی پس از یک‌سری درمان‌های مقدماتی برای آماده‌سازی هردو، با هم در حضور یک روانشناس یا تیمی از روانشناسان مواجه می‌شوند و گفتگوی هدایت‌شده‌ای بین آنها اتفاق می‌افتد که به احتمال قوی باعث بخشش از سوی قربانی می‌شود. منظور از متجاوز تنها متجاوز جنسی نیست. هرکس که به هر طریقی به دیگری ظلم کرده، به نوعی متجاوز محسوب می‌شود. متأسفانه در ایران چنین روشی آموزش داده نمی‌شود و به طبع کسی بلد نیست آنرا اجرا کند.

مسئله شما ابعاد متعددی دارد که باید به هر کدام جداگانه ولی هم‌زمان پردازید. نوشته‌اید که دخترعمویتان چرا شما را تهدید می‌کند؟ در مقابل تهدیدی که می‌کند از شما چه می‌خواهد؟ آیا امکان اینکه به صورت محدود و سر بسته مسئله را با همسر خود در میان بگذارید تا لااقل از این بابت فشار کمتری احساس کنید، وجود دارد؟ یک مشاور می‌تواند به شما در این رابطه کمک کند تا بهترین راه را انتخاب کنید. هردوی شما، هم خودتان و هم دختر عمویتان نیاز به جلسات متعدد مشاوره برای مدتی طولانی دارید. شما باید به هر طریق با دخترعمویتان ارتباط برقرار کنید و از او پوزش بخواهید. نمی‌دانم امکان این کار برایتان وجود دارد یا نه. فرمولی که من برای عذرخواهی در موارد پیچیده‌ای مثل مورد شما، خیانت، خشونت و غیره تجویز می‌کنم این است:

- بگویید یا بنویسید که عمیقاً از کاری که کرده‌اید متأسف هستید و عذرخواهی می‌کنید. بگویید که من این کار را کردم و در اثر این کار به تو این صدمات را زدم و سخت شرم‌منده هستم. در این مورد باید خیلی جزئی صحبت کنید تا دخترعمویتان بفهمد که شما واقعاً به عمق فاجعه واقف هستید. یک عذرخواهی کلی اصلاً کارساز نیست.
- بگویید که دیگر هرگز و تحت هیچ شرایطی او را به هیچ شکلی آزار نخواهید داد و از ایشان بخواهید که اگر نادانسته از جانب شما آزار دیدند، فوراً تذکر دهند تا شما رفتارشان را اصلاح کنید.
- بگویید که از ته دل امیدوارید که او شما را ببخشد، ولی اگر نبخشد کاملاً به او حق می‌دهید و برای همه عمر شرم‌منده او خواهید بود.
- بگویید اگر کاری هست که می‌تواند به فرایند بخشش کمک کند، شما با کمال میل آن را انجام خواهید داد.

در خاتمه باید بگویم که حتی اگر تمامی موارد فوق انجام شد و دخترعمویتان شما را بخشید، شما دو نفر هرگز نخواهید توانست یک رابطه عادی بین هر دختر عمو و پسرعمویی را با یکدیگر داشته باشید. به شما توصیه می‌کنم که از ایشان دوری کنید و سعی کنید هرگز سر راهش قرار نگیرید.